

تبیین لایه‌های ساختاری گونه‌شناسی در رابطه استراتژی‌های طراحی معماری سنتی در ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی معاصر تهران

چکیده

در ایران نیز مانند همه جای دنیا، با انگیزه صرفه‌جویی در مصرف زمین گران، مراکز شهرهای بزرگ به ساختمان‌های بلند روی آورده است. اما تجاربی که دارندگان فن‌آوری بلندمرتبه‌سازی از سر گذرانده‌اند هنوز کسب نکرده و شرایط را برای توسعه در زمینه‌هایی که در سیر تکامل آن حضور نداشته، فراهم نساخته است. حجم قابل‌توجهی از بناهای بلندمرتبه فاقد پشتوانه مطالعه تخصصی لازم‌اند که خسارات و ضایعات عظیمی را در پی خواهند داشت که باید این ضایعات را تا حد ممکن کاهش داد. تجربه ناکام این چند دهه اخیر ساختمان‌های بلند مسکونی در کشور نیازمند مطالعه تحلیلی لایه‌های ساختاری گونه‌شناسی در (استراتژی‌های طراحی) است. این مرحله از پژوهش شامل تحلیل و تفسیر یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است که به دو بخش قابل تقسیم است. ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی با تأثیر از افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی هم‌زمان با توسعه نقش دولت در زندگی اجتماعی، بستر مناسبی، جهت توسعه فعالیت‌های بلندمرتبه‌سازی را فراهم آورد که غالباً به‌صورت تولید انبوه و رویکردهای آن به‌صورت شکلی و عملکردی در دهه پنجاه آغاز گردیده و تاکنون جنبه مباحث محتوایی آن در تبیین لایه‌های ساختاری گونه‌شناسی ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی معاصر تهران انجام نگرفته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ترکیب گونه و اجرا ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی معاصر تهران.
۲. تبیین الگویی چندلایه گونه‌شناسی، براساس تایپ، جهت طراحی مسکن بلندمرتبه تدوین و با خوانشی پدیدارشناسانه.

سؤالات پژوهش:

۱. تأثیر لایه‌های ساختاری گونه‌شناسی در رابطه استراتژی‌های طراحی مسکن بلندمرتبه چگونه است؟
 ۲. بازتاب نظریه هستی‌شناسی شیء‌گرا در لایه‌های ساختاری گونه‌شناسی براساس تایپ چگونه است؟
- کلیدواژه‌ها:** تأویل محتوایی، لایه‌های گونه‌شناسی، طراحی، ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی.

مقدمه

در دوره پست‌مدرن، نظریه‌پردازان مجدداً به مطالعه مفهوم گونه به‌عنوان جوهره و ماهیت معماری که در برخی موارد مشابه و قابل‌مقایسه با ساختار عمیق زبان‌شناختی است، پرداختند. گونه‌شناسی، از نظر روسی و لئون کریر، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی دقیق برای معماری و فرم شهری در نظر گرفته می‌شود که درعین‌حال، یک مبنای منطقی را برای طراحی در اختیار می‌گذارد. علاقه به گونه، بخشی از جست‌وجوی وسیع‌تر معنی در دوره پست‌مدرن است، زیرا یک زنجیره پیوسته را با تاریخ تشکیل می‌دهد که برای دادن قابلیت خوانایی به معماری در یک فرهنگ، ضروری است. در بحث‌های مربوط به مورفولوژی و ریخت‌شناسی شهری، گونه، ظرفیت و قابلیت ایجاد یک شهر خوانا را دارد که پست‌مدرنیست‌ها آن را به‌عنوان راهکاری برای اصلاح شهر مدرنیست می‌دانند. در دهه ۱۹۷۰ میلادی، هدف، بهبود خوانایی شهر، از طریق بازآفرینی و اصلاح فرم‌های ساختمانی و فضاهای عمومی نگاره‌ای شهر سنتی اروپایی، بود. (Argan, ۱۹۷۸, ۵۶۴-۵۶۵). تعریف گوهر معماری که درباره آن اتفاق نظر کمی وجود دارد، یکی از موضوعات اصلی بحث پست‌مدرن درباره معناست. برای این تعریف به شکل مکرر با سه عنصر روبه‌رو می‌شویم که هیچ‌کدام نمی‌توانند از معماری کنار گذاشته شوند: گونه، عملکرد، ساخت. این دغدغه‌ها می‌توانند نسبتاً به‌خوبی به سه‌گانه ویتروویوس، لذت (زیبای یا شکل آرمانی)، استفاده (عملکرد یا سکونت)، و استحکام (دوام) ارتباط داده شوند. گونه بیشتر به دو عبارت دیگر ارتباط داده می‌شود، به عملکرد از راه گونه‌های عملکردی (ساختمان)، و به ساخت از راه انواع سیستم‌های ساختمانی. به گونه‌شناسی در عین حال می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از راه‌کارهای کلی معماری نگاه کرد. به این شکل شاید گونه چیزی باشد که دریدا آن را «معماری معماری» یا معادلی برای ساختار عمیق در زبان دانسته است. انتقال معنی نیز بخشی از گونه است. گونه چه آگاهانه درک شود و چه ناآگاهانه، با تاریخ تداومی می‌سازد که موجب قابل فهم شدن ساختمان‌ها و شهرها در یک فرهنگ می‌شود (روحی، ۱۳۹۶، ۵۷).

گونه‌شناسی‌های معماری در معاهدات و قراردادهای نظری و نیز در آثار معماران مشهور، تبیین و ایجاد شده‌اند؛ بنابراین، منطقی است که مسئله گونه‌شناسی را به‌عنوان تابعی از فرایند تاریخی معماری و نیز فرایندهای تفکر و کار معماران، در نظر بگیریم. توسل به «گونه» زمانی رخ می‌دهد که نیاز یا تقاضای فوری که هنرمند باید به آن پاسخ دهد، ریشه در گذشته داشته باشد. نتیجه این است که بعد گونه‌شناختی و نوآوری یک فرایند خلاق، پیوسته و درهم‌تنیده است - بعد نوآورانه، صرفاً بعدی برای برآورده کردن چالش‌ها و نیازهای وضعیت تاریخی واقعی، با نقد و غلبه بر راه‌حل‌های گذشته که به‌صورت شماتیک در قالب «گونه» قرار گرفته‌اند، است (Argan, ۱۹۷۸, ۵۶۴-۵۶۵). برای این گونه‌شناسی، مجموعه مبرهن و شفاف از قواعد برای اعمال تغییرات و اهداف این تغییرات و نیز مجموعه مشخص و تعریف‌شده از قواعد و فرآیندهای تاریخی وجود ندارد. این منطقی است؛ چراکه سرزندگی و اهمیت مداوم این شیوه معماری، منوط به رفع نیازهای حال است نه نیازهای جامع گذشته. این گونه‌شناسی، هرگونه نوستالژی تاریخی را رد می‌کند و تمرکز دقیقی بر احیا و بازسازی دارد، و همه توصیف‌های واحد از معنای اجتماعی فرم را رد کرده، کیفیت و ویژگی هرگونه استناد نظم اجتماعی به نظم معماری را تشخیص داده و درنهایت، مکتب التقاطی را رد می‌کند و اقتباس‌ها و نقل‌قول‌های آن را از دیدگاه زیبایی‌شناسی مدرنیست، فیلتر می‌کند. از این جهت، این یک جنبش کاملاً مدرن بوده و بر ماهیت عمومی همه معماری‌ها، برخلاف چشم‌اندازها و دیدگاه‌های خصوصی فردگرایان رومانتیک در دهه گذشته، استوار است. در این فلسفه، شهر و گونه‌شناسی به‌عنوان تنها مبانی و پایگاه‌های احتمالی برای احیای

نقش معماری تلقی می‌شوند؛ در غیر این صورت از طریق چرخه بی‌پایان تولید و مصرف، از بین خواهند رفت (Vidler, ۱۹۹۸, ۲۶۳).

دهه‌هاست که ایران با وجود سنت فرهنگی دیرینه‌اش به شکل یک جزیره باقی‌مانده است؛ اما گونه‌شناسان به ما می‌گویند که جزیره‌ها برای ایجاد گونه‌های جدید بهترین مکان‌اند (روحی، ۱۳۹۹: ۱۴). ایران بحرانی را می‌گذراند، بین دو دنیایی است که یکدیگر را نفی می‌کنند. این دو بیگانگی حالت «نه این» و «نه آن» را پدید می‌آورد و «تقدیر تاریخی» ما را متعین می‌سازد (شایگان، ۱۳۵۶: ۸۷). فلسفه هستی‌شناسی شیء‌محور با بهره‌گیری از مکتب پدیدارشناسی هایدگر کار طراحی را به‌عنوان کنشی هستی‌شناختی مطرح می‌کند تا مجموعه‌ای گسترده از ویژگی‌های شیء با رویکردهای مباحث محتوایی و روابط غیرخطی و عدم قطعیت‌ها را بیان نماید.

از اواسط قرن نوزدهم، دو گونه‌شناسی (تیپولوژی) به‌عنوان راهنما برای تولید معماری استفاده شده‌اند. نخستین گونه‌شناسی که از فلسفه عقل‌گرایی عصر روشنگری توسعه‌یافته و الهام گرفته است. دومین گونه‌شناسی که بر اساس لزوم مواجهه با مسئله تولید انبوه در پایان قرن نوزدهم ایجاد شده است. با توجه به این که در حال حاضر، مفروضات اساسی و بنیادی جنبش مدرن زیر سؤال رفته است، علاقه به فرم‌ها و بافت شهرهای ماقبل عصر صنعتی مجدداً زیاد گردیده و به‌نوبه خود منجر به مطرح‌شدن مسئله تیپولوژی (گونه‌شناسی) در معماری شده است. از تغییر و تحول ساختار رسمی و مؤسسات تیپیک شهرهای قرن هجدهم آلدو روسی تا طرح‌های برادران (لئون و راب) کرییر که یادآور تیپ‌ها و گونه‌های اولیه فلسفه‌های روشنگری می‌باشند، و نمونه‌های متعدد دیگر، همگی نشان‌دهنده ظهور یک گونه‌شناسی جدید به نام گونه‌شناسی سوم هستند. ما ویژگی اصلی و بنیادی این گونه‌شناسی سوم را به‌صورت حمایت و جانب‌داری از شهر سنتی به‌عنوان موضوع و هدف اصلی آن در نظر می‌گیریم، نه به‌عنوان یک ماهیت انتزاعی و یا اتوپیا (آرمان‌شهر) تکنولوژیک. یعنی شهر، مواد (اطلاعاتی) را برای طبقه‌بندی ارائه کرده و فرم‌های مصنوعات آن، مبنایی را برای ترکیب‌بندی مجدد فراهم می‌کند (Vidler, ۱۹۹۸, ۲۶۰).

پژوهش شامل تحلیل و تفسیر یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است که به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول شامل مطالعات کتابخانه‌ای که بر اساس استناد به متن و منابع صورت می‌گیرد و بخش دوم شامل مطالعات میدانی که برداشت‌هایی فیزیکی از بناها را تشکیل خواهد داد که این قسمت‌ها شامل تبیین زمینه‌های تفسیر و تحلیل خود زمینه‌ها و مشخص کردن موضوعات اصلی بوده است. در اینجا منظور از تفسیر و تحلیل زمینه‌ها عبارت از این است که چه مسائلی را می‌توان در چهارچوب آن‌ها طرح و تحلیل کرد. این تحلیل‌ها از روند خطی تبعیت نمی‌کنند، بلکه بین لایه‌های گوناگون اطلاعات، حرکتی چرخشی باید باشد. برای یافتن الگوهای نحوه مواجهه با موضوع در بناهای مختلف از تحلیل ساختاری نیز بهره گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

چنانچه معماری هر دوره تاریخی را بازتاب دو رویکرد محتوایی و شکلی در بستر اجتماعی - فرهنگی آن دوره تصور نماییم، تقابل بین مفاهیم محتوایی و شکلی منجر به ظهور سبک و گرایش معماری شده که همواره حاصل غلبه یکی از این مفاهیم بر دیگری بوده است، ذهنی و یا عینی. معماری مدرن غلبه شکل بر محتوا، معماری سنتی تأثیرپذیر شکل از محتوا، و معماری پسامدرن تأکید بر مفاهیم محتوایی بر کالبد فیزیکی که منجر به زمینه‌گرایی و بستر اجتماعی - فرهنگی شکل‌گیری اثر معماری می‌شود را دربرمی‌گیرد. بنابه نظر کوتاه‌ترمر گونه از شرایط تاریخی و فرهنگی

جدایی ناپذیر است، در عوض دوران گونه‌شناسی خود را مستقل از زمینه اولیه به کار می‌برد. فنکسینالیست‌ها نیز گونه را نه به عنوان یک تحول تاریخی، بلکه به عنوان یک راه حل استاندارد برای مشکلی استاندارد در نظر می‌گرفتند. آن‌ها در مباحث مسکن حداقل از گونه‌های استاندارد صحبت می‌کردند؛ یعنی از واحدهای مسکونی که باید برای یک خانواده استاندارد طراحی می‌شدند. نقش که این پلان‌های تیپ در تولید انبوه مسکن ایفا کردند، نقش گونه‌شناسی‌های دوران در قرن نوزدهم را به خاطر می‌آورد. اما ترکیب گونه‌شناسی آرگان با خوانش پساپدیدارشناسی در عین حالی که عملی است امکان تغییر و تنوع در فرم نهایی و حتی گونه را براساس مکان منتفی نمی‌داند و این خود آن را از خطر تبدیل به کلیشه برحذر می‌دارد. اما اگر بخواهیم از ترکیب گونه‌شناسی آرگان با تأویل محتوایی به عنوان ابزاری برای طراحی ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی معاصر تهران در نظر بگیریم «با این وجود سطوح گونه‌شناسی هیئت کلی بنا، عناصر اصلی ساختمانی و عناصر تزئینی کافی نیستند» و فاقد عباراتی برای نشانه‌گذاری -سلسله‌مراتب - محرمیت - سیستم فضاهای میان واحدهای مسکونی منفرد و هیأت کلی ساختمان هستیم در چنین موردی ما یک لایه محتوایی گونه‌شناختی ذیل را علاوه بر آن تشخیص می‌دهیم که شامل:

۱- بستر اجتماعی؛ ۲- سلسله‌مراتب؛ ۳- لایه واحد همسایگی - محلاتی در ارتفاع؛ ۴- نحوه اتصال و روی هم سوار کردن واحدها؛ ۵- محرمیت‌ها.

نکته بسیار مهم و قابل توجه این است که این بررسی، پیشینه ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی را دربرمی‌گیرد. اما هم زمان با آن خانه‌های ویلایی، خانه‌های ارزان‌قیمت که غالباً به شکل سری یا انبوه طراحی و ساخته می‌شدند در این بررسی موردتوجه قرار نگرفته‌اند.

فهرست منابع و مآخذ:

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن. تهران: نشر نی.
- ارژمند، محمود؛ اعتمادی پور، مرضیه. (۱۳۹۳). «نقد ساختارگرایانه قلعه دختر فیروزآباد»، دوفصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۱۳، ۳۷-۵۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- بذرافکن، کاوه. (۱۳۹۴). مقدماتی بر روش‌های طراحی معماری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- دیبا، داراب. (۱۳۸۴). «لایه‌های پنهان نقد»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۸۲-۸۳، ۳.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). خانه در فرهنگ ایرانی (مفاهیم و بعضی از کاربردها). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). معماری ایران در دوره اسلامی (مفاهیم، الگوها و آثار). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- شارمند، مهندسین مشاور. (۱۳۷۵). ارزیابی فرایند اجرایی ساختمان‌های بلندمرتبه در تهران - سابقه ضوابط و مقررات بلندمرتبه‌سازی در طرح جامع.
- شایگان، داریوش. (۱۳۵۶). آسیا در برابر غرب. تهران: امیرکبیر.

- ضمیران، محمد. (۱۳۸۰). اندیشه‌های فلسفی در پایان هزاره دوم. تهران: انتشارات هرمس.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۹). فلسفه میان حال و آینده جستاری در باب اندیشه‌های فلسفی معاصر. تهران: پایان.
- ضمیران، محمد. (۱۳۷۸). رهیافت پساساختارگرایی به هنر. بایا. ۴ و ۵.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۲). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). ضد: روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی. قم: لوگوس.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۳). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه‌شناسی درون‌گرا. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۱). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه‌شناسی برون‌گرا. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- نزبیت، کیت. (۱۹۵۷). تئوری معماری پست‌مدرن (۱۹۶۵-۱۹۹۵) (ترجمه پویان روحی). مشهد: انتشارات کتابکده کسری.
- Argan, G.C. (۱۹۶۳). On the typology of architecture. *Architectural Design*, ۳۳(۱۲): p. ۵۶۴-۵۶۵.
- Harman, G. (۲۰۱۵). Object-oriented ontology, in *The Palgrave handbook of posthumanism in film and television*. p. ۴۰۱-۴۰۹.
- Hays, K.M. (۱۹۶۸). *Architecture theory since ۱۹۶۸*. ۲۰۰۰: Mit press.
- Lang, J. (۱۹۹۴). *Urban design: the American experience*. ۱۹۹۴: John Wiley & Sons.
- Lang, J. (۲۰۰۶). *Urban design: A typology of procedures and products*. ۲۰۰۶: Routledge.
- Leupen, B. (۱۹۹۷). *Design and analysis*. ۱۹۹۷: ۰۱۰ Publishers.
- Leupen, B. & H. Mooij. (۲۰۱۱). *Housing design: a manual*.
- Moneo, R. (۱۹۷۸). On typology. *Oppositions* ۱۳, ۱۹۷۸.
- Neufert, E. & P. Neufert. (۲۰۱۲). *Architects' data*. ۲۰۱۲: John Wiley & Sons.
- Vidler, A. (۱۹۹۸). The third typology. *Oppositions Reader*. ۱۳-۱۷, ۱۹۹۸.
- Whyte, W. (۲۰۰۶). How do buildings mean? Some issues of interpretation in the history of architecture ۱. *History and Theory*. ۴۵(۲): p. ۱۵۳-۱۷۷.